

موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة، کتابی تقریباً چهل جلدی و پراوازه و کم نظیر، با ویژگی خاص خود است که اکنون بیست جلد آن چاپ و انتشار یافته است و لجنه علمی تحقیقی آن، در حال نگارش بقیه این اثر بیس ارجمند و پرارزش هستند. تمام این اثر، حاوی روایات مربوط به اصل امامت و جانشینی پیامبر اسلام ﷺ و ویژگی های دوازده امام معصوم علیهم السلام در منابع گوناگون اهل سنت و جماعت است. هر چند این کتاب بزرگ، بازسازی و پردازش کتاب پرحجم «ملحقات احقاق الحق» به شیوه نوین است، اما با توجه به ترتیب جدید و تغییر اساسی انجام یافته در ساختار آن، این اثر چیزی است و آن یکی چیزی دیگر. نگارنده این سطور از روی کنجکاوی و کاوش، پس از مشاهده و توزق برگ برگ این اثر و واکاوی همه زوایای آن، در صدد نگاشتن این مقاله برآمده که هر چند به طور نسبی اندک و کوتاه است، اما برآمده از علاقه و اعتقاد و براساس مطالعه پیگیر آثار مشابه آن و تلاش صادقانه در تحقق احیای «تقریب مذاهب اسلامی» بر مبنای کتاب و سنت و عترت است. امید است این مقاله، معرف این موسوعه عظیم شود که از جهتی بزرگترین عامل «تقریب» و از جهت دیگر مصداق گویای این بیت است:

خوش تر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران

اینک نگاه و نگرش خویش را از «موسوعة الامامة» به صورت فشرده، در دوازده بند عرضه می دارم که در هر یک از آنها ضمن اشاراتی لطیف به اصل موضوع، توجه به مفهوم امامت و انگیزه پی جویی آن در این مأخذ پراچ و اعتبار، آن هم آگاهی از «سردلبران در حدیث دیگران» مد نظر این قلم بوده است.

#### یکم

اساسی ترین وجه اشتراک ادیان آسمانی، از زمان پیدایش بنی آدم بر روی کره خاکی، مسئله «توحید» و سپس «وحی» از سوی خدا بر برگزیدگان ویژه اوست که عنوان «نبوت» یافته است. پیامبران که پاک ترین و درستکارترین و آگاه ترین مردم زمان خویش بوده اند، همه مردمان را به یگانگی خدا و شناخت صفات او دعوت کرده اند و از شرک و بت پرستی بازداشته، آنان را متوجه عالم پس از مرگ نموده اند و به نیکوکاری واداشته، از تبهکاری بازداشته اند.

پیامبران، تعلیمات و آموزه های دینی خود را تنها از راه وحی به دست آورده اند و در ابلاغ تعالیم دینی نیز عزم و استقامت فوق العاده ای از خود نشان داده اند. سوابق درخشان و شخصیت استوار و رفتار و کردار پرجاذبه آنان، توده های مردمان، به ویژه جوانان جویای حق را

#### نقد و بررسی کتاب

## موسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة

### کتابی بزرگ و مستند به روایت اهل سنت در امامت دوازده امام

محمد علی کوشا

چکیده: کتاب موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة کتابی حاوی روایات مربوط به اصل امامت و جانشینی پیامبر اسلام ﷺ و نیز ویژگی های دوازده امام معصوم علیهم السلام در منابع گوناگون اهل سنت و جماعت است. نویسنده در مقاله خویش پس از بیان مقدماتی پیرامون مفهوم امامت و مصادیق آن، با واکاوی دقیق زوایای کتاب، سعی در معرفی و بیان ویژگی های کلی این موسوعه از حیث شکلی (ساختاری) و محتوایی و نیز اهمیت و امتیاز آن دارد.

کلیدواژه: موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة، معرفی کتاب، امامت

به سویشان جذب می نموده است و به گونه طبیعی، آنها را «مقتدا»، «پیشوا» و «الگوی» مردمان قرار می داده است. «علم سرشار آسمانی» و «مقام عصمت» آنان از یک طرف و «تحقق شماری از معجزات» در راستای حقایق دعوتشان، چهره ای روحانی و ملکوتی از آنان در اذهان عموم ترسیم نموده است. اعتقاد به پیامبران نه تنها لازمه اعتقاد به خدا و صدق نبوت آنهاست، بلکه اعتقاد به آنان در جهان بینی توحیدی موضوعیت دارد و در واقع عقیده به آنان، عقیده به یک جریان پیوسته تاریخی است که میان دو جبهه حق و باطل از ابتدای شکل گیری تاریخ وجود داشته و پیامبران همواره جبهه و جریان حق را رهبری می نموده اند و برضد باطل ستیزی می کرده اند و این مبارزه سرانجام با پیروزی حق ادامه خواهد یافت؛ بنابراین شناخت تاریخ پیامبران، می تواند تجربه ای ارزنده و سازنده برای آیندگانی باشد که در مسیر آنها حرکت می کنند.

## دوم

اهمیت عمده پیامبران به پیام آنهاست که محتوای آیین و شریعتشان را تشکیل می دهد. در قرآن کریم تصریح شده است: «دین» از آغاز تا پایان پیامبران یکی بیش نیست و همه پیامبران مردمان را به یک دین دعوت کرده اند: «سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»؛<sup>۱</sup> برای شما از احکام دین چیزی تشریح کرده است که نوح را به آن سفارش نمود و نیز آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن به پراکندگی مگراییید.

قرآن در همه جا نام دینی که پیامبران از آدم تا خاتم مردم را بدان دعوت کرده اند، «اسلام» می نهد. البته مقصود این نیست که در همه زمان ها به این نام خوانده می شده است، بلکه مقصود این است که دین، حقیقت و ماهیتی دارد که بهترین معترف آن، واژه «اسلام» است. آیات زیر را بنگرید:

«ما كان إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا»؛<sup>۲</sup> ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق گرا و تسلیم فرمان خدا بود.

«وَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ»؛<sup>۳</sup> و ابراهیم پسرانش را به همان آیین سفارش نمود، و یعقوب نیز چنین کرد، و هر یک گفتند: ای فرزندان من، خدا این دین را برای شما برگزیده است، پس نمیرید مگر در حالی که تسلیم او باشید.

قرآن کریم هرگز کلمه «دین» را به صورت جمع (ادیان) نیاورده است،

۱. شوری: ۱۳.  
۲. آل عمران: ۶۷.  
۳. بقره: ۱۳۲.

بلکه همواره به صورت مفرد به کار برده است؛ زیرا آن چیزی که در حقیقت وجود داشته، دین واحد است نه دین ها.

یکی خط است از اول تا به آخر  
بر او خلق خدا جمله مسافر

## سوم

پس از درگذشت هر پیامبری، پیامبر دیگری وصی و جانشین او، راه و برنامه وی را ادامه و استمرار می بخشیده است؛ تا آنجا که قرآن کریم می فرماید: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»؛<sup>۴</sup> هیچ امتی نبوده مگر اینکه هشدار دهنده ای داشته است.

قطعاً چنین «نذیری» یا پیامبر آسمانی بوده یا جانشین و برگزیده پیامبر پیشین و یا دست کم مُصلحی آگاه و حقجو و آشنا به مکتب پیامبران که مردمان را به پیروی از مکتب انبیا فرامی خوانده و آنان را به عواقب وخیم فساد و فحشا و نافرمانی خدا هشدار می داده است.

## چهارم

آیین اسلام علاوه بر آنکه با فطرت انسان ها هماهنگ است، آیینی جاودانه برای همه زمان ها و مکان ها تا روز قیامت است. آیات زیر به روشنی گویای رسالت جهانی اسلام و پیامبر خاتم است:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛<sup>۵</sup> بگو: ای مردم، بی گمان من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛<sup>۶</sup> و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده ایم.

«وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ»؛<sup>۷</sup> و این قرآن به من وحی شده است تا به وسیله آن به شما و هر که این کتاب به او رسد، هشدار دهم.

شاهد دیگر رسالت جهانی اسلام، نفس مطالب و محتوای قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در محدوده اقوام و گروه خاصی نیست. آن حضرت فرموده است: «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ خَاصَّةً وَإِلَى النَّاسِ عَامَّةً».<sup>۸</sup>

من به طور خاص پیامبر شما و به طور عام پیامبر همه مردم جهان هستم.

از همین روی پیامبر ﷺ در سال ششم هجری نامه هایی به سران کشورها ارسال کرد و آنها را به اسلام دعوت نمود که از جمله آنان نجاشی و مقوقس و عده ای دیگر بودند که اسلام را پذیرفتند. آن حضرت نزدیک ۶۲ نامه به پادشاهان و سران قبایل و دیرنشینان فرستاد که متن ۲۹ نامه از آنها موجود است.<sup>۹</sup>

۴. فاطر: ۲۴.

۵. اعراف: ۱۵۸.

۶. انبیاء: ۱۰۷.

۷. انعام: ۱۹.

۸. علی بن ابی الکریم؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۶۱.

۹. علی احمدی میانجی؛ مکاتیب الرسول؛ ج ۳، نشر یاسین، ج ۱، صص ۹۰، ۹۲ و ۱۸۲.

## ■ پنجم

دین اسلام، آخرین دین آسمانی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آخرین پیامبری است که نبوت به وسیله او ختم شده است و آن حضرت فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا سُنَّةَ بَعْدِي فَمَنْ ادَّعَى ذَلِكَ فَدَعَاؤُهُ وَبِدْعَتُهُ فِي النَّارِ»؛ ای مردم! بعد از من پیامبر و سنتی، جز سنت من نیست و هر کس پس از من ادعای نبوت کند، اذعا و بدعت او در آتش است.

## ■ ششم

## مسئله ای به نام امامت

با توجه به نکات مذکور، به ویژه انسداد باب نبوت بعد از پیامبر گرامی اسلام، ابتدایی ترین مسئله ای که ذهن دینداران را به خود مشغول نمود، تداوم راه و استمرار برنامه ها و تحقق آرمان های پیامبر اکرم ﷺ بود. آگاهی و شناختی که مؤمنان از پیامبر و مکتب او کسب کرده بودند، عامل اصلی پرسش های ذیل شد:

۱. مرجع دینی بعد از رسول خدا ﷺ کیست؟
۲. انسان کاملی که بعد از رسول خدا ﷺ به چشم الگو به او نگریسته شود و مقتدای تمام عیار مردمان در گفتار، رفتار و کردار باشد و عیبی هم در عقیده و اخلاق و عمل نداشته باشد، چه کسی است؟
۳. زمامدار سیاسی و اجتماعی و حاکم و مدیری که سیاست و تدبیری همچون رسول خدا ﷺ داشته باشد و بتواند جامعه و امت اسلامی را به روش و شیوه پیامبر اداره کند، کیست؟

این سه پرسش، «شاکله امامت» را در ذهن ها ترسیم نمود و انتظاری که مردمان پاک منش به طور طبیعی و فطری از «جانشین پیامبر» داشتند، به گونه ای در بیان و بنان خویش آشکار نمودند و تمام ویژگی های پیامبر را - جز نزول وحی - در وجود امام جستجو کردند. اینجاست که «امامت» به عنوان عنصر اصلی از «توابع نبوت»، جایگاه خاص خود را پیدا کرد و متکلمان دنیای اسلام با توجه به جهت نزاع و محدوده توافق در صدد تعریف آن برآمدند و در تعاریفی شبیه به یکدیگر گفتند: «الإمامةُ رياسةُ عامَّةٌ في أمورِ الدِّينِ وَالِدُنْيَا لِشَخْصٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ نِيَابَةً عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ امامت، ریاست عمومی در امور دین و دنیا، برای شخصی است که از پیامبر عنوان نیابت دارد.

بر اساس این تعریف که نسبت به همه تعریف ها، جامع تر می نماید، «امام» کسی است که نه تنها در امور دنیا جلودار است، بلکه در امور دینی نیز پیشوای کامل عیار است؛ چون دین اسلام در واقع تنظیم کننده رابطه انسان و خدای یکتای حاضر و ناظر بر همه چیز

است؛ بنابراین امامت، ریاست کلی بر جامعه اسلامی در امور دینی و دنیوی است. اساس و شاکله امامت نیز مسلمانان راستین در سه چیز خلاصه می شود: ۱. مرجعیت دینی؛ ۲. اسوه و الگو بودن تمام عیار؛ ۳. زمامداری و رهبری سیاسی.

از این سه شاکله، اولی و دومی امری حقیقی، ولی سومی امری اعتباری است؛ اگرچه صلاحیت آن امری حقیقی است؛ به عبارت دیگر اولی و دومی قابل سلب و غصب نیست، ولی فعلیت سومی قابل غصب و سلب است و ممکن است به واسطه عوامل و شرایطی نادیده انگاشته شود و تحقق و فعلیت نیابد.

اصل وجود «امام» با شاکله فوق به عنوان «جانشین پیامبر» مسئله ای نیست که از سوی انسان های اندیشمند مورد شک و تردید واقع شود؛ یعنی همه مسلمانان منصف در این جهت اشتراک عقیده دارند که جامعه اسلامی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیازمند امامی است که جامع تمام شرایط جانشینی پیامبر باشد و مردم از او پیروی کنند؛ یعنی هم مسائل و معارف دین را از او بیاموزند، و هم در گفتار و رفتار و کردار از او الگوگیری کنند و هم اینکه در صورت ایجاد زمینه حکومت برای او، بر اساس دانایی و توانایی اش، به رهبری سیاسی و اجتماعی وی گردن نهند.

اینجاست که می توان گفت عمده اختلاف شیعه و سنی در مسئله امامت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، اختلاف در «مصدق» است نه «مفهوم»؛ چون فطرت و وجدان بیدار هیچ انسانی، «عالم بودن» و «آگاه بودن» به کتاب و سنت را برای انسانی که کاملاً به قرآن و سنت پیامبر آشنا است و از طرفی شایستگی های عملی و اخلاقی، او را اسوه و الگوی مردمان نموده است، رد نمی کند و نادیده نمی انگارد. آری، گرد و غبار غلیظ تبلیغات سوء و سیاست بازی های بازیگران هوس پرست، چه بسا مصداق حق را باطل و باطل را حق نشان دهد و امر را بر شماری از مردمان، حتی فرهیختگان مشتبه سازد تا جایی که چه بسا در مواردی آب را سراب و یا سراب را آب پندارند! در این صورت، راه برون رفت از چنین مشکلی، دو چیز است: ۱. تعقل و توجه به عقلانیت فطری؛ ۲. بازگشت به سنت پیامبر؛ یعنی آگاهی از قول و فعل و تقریر آن حضرت. در این مقام توجه به دوایه، لازم و ضروری است:

الف) «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛ آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است از او پیروی شود یا کسی که راه نمی یابد، مگر اینکه راهنمایی شود؟! شما را چه شده است؟ چگونه حکم می کنید؟

۱۰. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، باب ۶۳، ص ۱۲۱ و محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸، ص ۵۵۵.  
۱۱. حسن بن یوسف حلی؛ الباب الحادی عشر مع شرحه النافع یوم الحشر؛ فاضل مقداد، تحقیق و تعلیق محمود رضا افتخارزاده؛ قم: مکتبه العلامه، ۱۴۳۰ ق، ص ۸۲.

■ **نهم****اثری استوار و ماندگار**

کتاب ارجمند «موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة» بازسازی و طرحی نواز کتاب «ملحقات احقاق الحق» است. اصل کتاب به نام «احقاق الحق وازهاق الباطل» از آثار پیرارج قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶. ۱۰۱۹ ق) مشهور به «شهید ثالث» است. قاضی نورالله، فقیه، متکلم و رجال شناس نامدار شیعی ساکن هند، اصالتاً زاده شوشتر، یکی از شهرهای استان خوزستان است. او پس از مهاجرت به هند به مقام قضاوت دست یازید و مورد توجه اکبرشاه هندی قرار گرفت و در چارچوب فقه مذاهب چهارگانه و احاطه کامل برفقه شیعه، به داوری پرداخت و ضمن کار قضاوت به تألیف کتاب «احقاق الحق» در نقد کتاب «ابطال نهج الباطل واهمال کشف العاطل» نوشته فضل الله امین بن روزبهان پرداخت. سرانجام بر اثر بدگویی بدخواهان از او نزد سلطان سلیم، پس از مرگ اکبرشاه و خشم شماری از رهبران سنی بر ضد او، در ۱۸ جمادی الثانی ۱۰۱۹ ق زیر ضربات شلاق شبانگاهی شکنجه‌گران حکومت جان خود را از دست داد. قاضی نورالله در اثر بزرگش «احقاق الحق»، ابتدا جمله به جمله فقراتی از «منهاج الکرامه» علامه حلّی را نقل می‌کند و به دنبال آن نظر فضل الله امین بن روزبهان را به نقد می‌کشد؛ بنابراین کتاب «احقاق الحق» در واقع خلاصه‌ای از مجادلات شیعه و سنی در مسائل کلامی به ویژه مسئله امامت است.

ده‌ها سال پس از درگذشت قاضی نورالله شوشتری، کتاب او توجه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله علیه را به خود جلب کرد و آن مرحوم با کمک و همراهی بیست تن از شاگردان خود و ارباب تحقیق در حوزه علمیه قم، کتاب مزبور را با تعلیقات فراوانی که چندین برابر متن اصلی بود، منتشر ساخت و کتاب سه جلدی «احقاق الحق» را به کتابی ۳۶ جلدی مبدل ساخت. هرچند این اثر بزرگ برای محققان اثری بس پر ارزش و محققانه می‌نمود، ولی حال و هوای شیوه‌های فنی جدید و دیگر اقتضائات سبب شد این اثر پر محتوا به سبک و سیاق جدید عرضه گردد و کاستی‌های احتمالی آن جبران شود و مطالب تکراری آن نیز حذف گردد و به صورتی که آیین نگارش و ویرایش امروزی اقتضا می‌کند، بازنویسی و با آرایه‌ای نوین منتشر گردد. این پروژه طرح بس والا، به کوشش و ابتکار فرزندان آن مرحوم، یعنی جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی با همکاری نویسنده توانا جناب آقای محمد اسفندیاری و دیگر محققان ارجمند، آقایان: محمد مرادی، محمد کاظم عبداللهی، محمد جواد محمودی، حسین تقی‌زاده، محمدرضا جدیدی نژاد، سید حسن فاطمی، محمد صحتی سردودی و مصطفی فضلی‌زاده، جامه عمل به خود پوشید و حاصل کار آنان، اثری استوار و جاودان شد و نام درخور و مناسب «موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة» برایش به ثبت رسید. بیست جلد نخست این اثر توسط انتشارات صحیفه خرد، در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ در قم چاپ و انتشار یافت.

در واقع این پرسش، از عقل فطری مردم است و پاسخ آن نیز کاملاً روشن است و عقل فطری هراسانی جواب می‌دهد: آن کسی که مردم را به سوی حق هدایت می‌کند، برای امامت بهتر است.

ب) «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»: <sup>۱۳</sup> و آنچه را پیامبر برایتان آورده، آن را بگیرید و از آنچه شما را از آن باز داشته، باز ایستید.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی پیروی از «سنت پیامبر» را واجب دانسته، مسلمان‌ها را به اخذ قول و فعل و تقریر آن بزرگوار واداشته، و مردمان را از ارتکاب منهیات آن حضرت بر حذر داشته است.

■ **هفتم****مفهوم امامت و مصادیق آن**

اساس مفهوم امامت «مرجعیت دینی امام معصوم» و «انسان کامل بودن او» و «شایستگی و بایستگی او در اداره امور» است که وجود او را مقتدای خلق و اسوه کامل عیار مردمان می‌گرداند.

روایات منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله در منابع معتبر درباره جانشینان بعد از خود، به گونه‌ای است که مصادیق آنها فقط بر ائمه دوازده‌گانه که عترت و آل او هستند، منطبق است. آثار متعدّد و مستدلّ برجای مانده از عالمان شیعی، بهترین گواه بر اثبات این حقیقت است. در اینجا به ذکر هشت اثر بس ارجمند اشاره می‌شود و این قلم معزّی هشتمین آنها را پس از این مقدمات، موضوع اصلی این نوشتار قرار می‌دهد.

■ **هشتم****آثار مکتوب هشتگانه در شیعه**

برای آگاهی کامل از دیدگاه شیعه درباره امامان معصوم، مراجعه به آثار زیر لازم و ضروری است:

۱. تلخیص الشافی از شیخ طوسی (گزیده کتاب الشافی سید مرتضی علم الهدی است)؛
۲. غایة المرام از سید هاشم بحرانی؛
۳. احقاق الحق از قاضی نورالله شوشتری (با تعلیقات مفصل آن، زیر نظر آیت الله العظمی مرعشی نجفی)؛
۴. عبقات الانوار از میرحامد حسین هندی؛
۵. المراجعات از سید شرف الدین عاملی؛
۶. دلائل الصّدق از محمد حسن مظفر؛
۷. الغدیر از علامه شیخ عبدالحسین امینی؛
۸. مؤسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة از آیت الله العظمی مرعشی نجفی، به اهتمام دکتر سید محمود مرعشی نجفی و محمد اسفندیاری و گروهی از محققان حوزه علمیه قم.

## ■ دهم

## ویژگی های کلی این موسوعه

ویژگی های این موسوعه را می توان در دو محور مورد توجه قرار داد:

## ۱. از منظر شکلی (ساختاری)

## ۲. از حیث محتوایی

این مجموعه از منظر شکلی (ساختار حاکم بر اثر) بر همه آثار همگون خود رجحان و برتری دارد و چنین مزیتی نیز مدیون و مرهون کارگروهی محققان باتجربه و خوش ذوق آن، به مدیریت آقای محمد اسفندیاری و اشراف آگاهانه دکتر سید محمود مرعشی می تواند باشد. پیش از اشاره به استواری و ظرافت محورهای شکلی این کتاب، نقش چینش صحیح مطالب و تنظیم فصول و ترتیب ابواب آن را در جذب خوانندگانش در قالب مثالی محسوس و ملموس یادآور می شوم: چه بسا میزبانی بهترین و پرمحتواترین غذایی را برای میهمانانش تدارک می بیند، اما همه اقلام آن غذای متنوع و مقوی را به صورت نامنظم و درهم و برهم و به هم ریخته، روی سفره ای به صورت تلمبار، عرضه می کند. در چنین صورتی کاملاً طبیعی است که چشمان میهمانان می رسد و به دنبال آن نیز عطش اشتها نیز فروکش می کند و بی رغبتی و کم توجهی میهمانان را نیز در پی می آورد؛ در حالی که اگر چینش هندسی همان غذا با همان محتوا بر سفره، بر اساس استانداردهای فنی چینش غذا انجام پذیرد و مطابق با غریزه زیبا پسند انسان های خوش ذوق و ظریف و هنرمند باشد و هر چیزی از آن در جایگاه ویژه

خود قرار گیرد، شوق و تمایل خوانندگان آن، به مراتب بیشتر و رغبت استفاده آنان افزون تر خواهد شد. این مثل را بدان سبب آوردم که نقش عرضه صحیح آثار مکتوب را در جذب و انجذاب خوانندگان آن در بدو امر نمایانده باشم.

اکنون زیبایی های شکلی کتاب را بنگریم:

الف) پس از فصل بندی مطالب، ابواب زیرمجموعه، متناسب با آن بر اساس اولویت های ژنی عناوین با دقت و ظرافت تمام چینش یافته است.

ب) راویان اصلی هر روایت در هر باب پیش از نقل روایت به صورت معنعن<sup>۱۴</sup> و مرتب در آغاز حدیث مشخص و معین شده است.

ج) نام مؤلف هر کتابی که روایت از آن نقل شده، در آغاز هر روایت ذکر شده است.

د) علایم سجاوندی مربوط به فن و ویرایش با دقت فراوان انجام پذیرفته و انصافاً در این باره حق مطلب به درستی و استواری ادا شده است.

ه) آیات منقول در ضمن روایات به همان صورتی که در مصحف شریف و با خط عثمان طه آمده، عیناً تصویربرداری شده و در میان هالین ویژه خود قرار گرفته است.

و) مآخذ آیات و روایات به صورت دقیق در پانوشته ها ذکر شده است.

ز) قلم به کار گرفته تمامی متن کتاب، با فونت مناسب و چشم نواز انتخاب شده است.

ح) فونت قلم عبارات متن کتاب با آیات قرآن کریم، کاملاً متمایز از یکدیگر انتخاب شده است.

ط) جلد اول و دوم این اثر به «اهل بیت در قرآن» اختصاص یافته است.

ی) جلد سوم و چهارم و پنجم این اثر به «اهل بیت در نصوص و آثار» اختصاص یافته است.

ک) جلد های ششم تا بیستم به «زندگانی و شخصیت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)» اختصاص یافته است و دیگر مجلدات چاپ نشده این اثر (از ۲۱ تا ۴۰) به دیگر امامان معصوم اختصاص دارد.

ل) از جمله امتیازات شکلی این کتاب، آوردن شماره های مسلسل سلسله احادیث آن است که خواننده را در امر آدرس دهی و آدرس یابی هر حدیث، به درستی یاری می دهد.

مجموعاً این دوازده امتیاز، مربوط به جهات محور شکلی این کتاب نفیس است.

## ■ یازدهم

## ویژگی های محتوایی این اثر

پیش از اشاره به ویژگی های پر بار این اثر، یادآور می شوم که نفس نام و

۱۴. مُعْنَعِنٌ: به روایتی گویند که نام ناقلان آن به صورت مسلسل ذکر شود؛ و چون راوی لاحق، روایت را از دیگری که سابق است، به صورت «عَنْ فُلَانٍ عَنْ فُلَانٍ» نقل می شود، آن را بدین نام، نامیده اند.

سَخَاةُ آيَةِ اللَّهِ الْعَظْمَى السَّيِّدِ سَهَابِ الدِّينِ المَرعَشِيِّ النَجْفِيِّ

# موسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة

المجلد الأول

أهل البيت عليهم السلام في القرآن

باهتمام

السيد محمود المرعشي النجفي، محمد اسفندیاری

و

عنة من المحققين

باشند، گویای جری و تطبیق و بیانگر مصداق و یا مصادیق گوناگون و گاهی یادآور تشبیه و تمثیل و نهایتاً شأن نزول آیات می باشند.

۲. روایاتی که بیانگر فضایل، مناقب و منزلت اهل بیت علیهم السلام است و مراتب کمال انسانی و درجات معنوی و تقریب آنان به خدای یکتای علیم و قدیر را بیان می دارد.

۳. روایاتی که فضیلت شناخت اهل بیت و حُب و توجه به آنان و پرهیز از بغض و دشمنی با آنها را گوشزد می کند.

۴. روایاتی که لزوم رعایت حقوق اهل بیت و همچنین ضرورت اطاعت از آنها را یادآور می شود.

۵. روایاتی که شرایط امام را بیان می دارد و منصب امامت را منصبی الهی می داند، و امامان را از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اومی داند و تعداد آنان را با بیان نام و مشخصات کامل، دوازده نفر می داند.

۶. روایاتی که ویژگی های پیروان واقعی اهل بیت را برمی شمارد و آنان را از غلو و هرگونه غالیگری پرهیز و برحذر می دارد.

۷. روایات فراوانی که ابعاد گوناگون زندگانی و شخصیت تمام عیار امیرالمؤمنین علی علیه السلام را واکاوی می کند و به بیان فضایل، سوابق جهاد، سجایای اخلاقی، کثرت عبادت، تدبیر، مدیریت، مردمداری، فراوانی دانش، ایثارگری، فداکاری، عمق اندیشه، هنر سخن پردازی و خطبه خوانی، محبوبیت مردمی، توحید در عقیده و اخلاق و عمل، حسن سابقه خانوادگی، آداب خانوادگی و اجتماعی، کار و کارگری برای تأمین معاش، بذل و بخشندگی، پافشاری بر اجرای عدالت، عفو و گذشت، آرزوی شهادت، توجه به حق الناس، همرازی با پیامبر، تندرستی و توانایی جسمی و روحی، خیرخواهی در حق خلفا، داوری های شگرف، نوازش یتیمان و مستمندان و ظهور کرامات عدیده از او و ده ها ویژگی دیگر آن حضرت می پردازد. دامنه مباحث و موضوعات این بخش از کتاب، آن قدر وسیع و گسترده است که حجم روایات پرجاذبه آن، پانزده جلد این اثر را دربر گرفته است که بی گمان، بهترین و گویاترین مآخذ روایی درباره شخصیت جامع الاطراف مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است که به قول سنایی غزنوی:

با مدیحهش مدایح مطلق زهق الباطل است و جاء الحق به راستی گردآوری این همه اخبار و احادیث، آن هم با اسلوب دقیق فنی و همراه با آیین نگارش و ویرایش و ترتیب ابواب و تنسیق مطالب و موضوعات، ناخودآگاه، هر خواننده کتابشناس و محقق را به شگفتی و امی دارد و بر محققان و گردآورندگان و ترتیب دهندگان آن، درود می فرستد و دست مریزاد می گوید و به زبان حال و قال، لب به ثنا می گشاید که:

پیوندی آن گوهران را چنان که پیوست نتوان از آن خوشتر

عنوان این کتاب، خود گویاترین معرف محتوای آن است. «موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة»، یعنی دایرة المعارف امامت بر اساس مطالبی که خود اهل سنت در کتاب هایشان به صورت روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.

مجموعه روایاتی که در این بیست جلد از منابع اهل سنت درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام نقل شده و روایاتی که در بیست جلد بعدی آن گرد آمده است، در یک تقسیم بندی کلی، به هفت دسته تقسیم می شوند.

۱. روایاتی که بیانگر نزول شماری از آیات در شأن و مرتبت اهل بیت علیهم السلام است؛ بدین معنا که مصداق کامل و بارز شماری از آیات بر اهل بیت قابل تطبیق و انطباق است؛ مثل روایات فراوانی که آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) را در شأن علی علیه السلام وارد می داند و حسکانی و طبرانی و ابو نعیم و حموی و ابن مغازلی نقل کرده اند که: «لَا تَلْقَى مُؤْمِنًا وَلَا مُؤْمِنَةً إِلَّا وَفَى قَلْبِهِ وُدًّا لِعَلِيِّ وَاهْلِ بَيْتِهِ» (موسوعة الامامة، ج ۱، ص ۴۰۶)؛ یعنی هیچ مرد وزن با ایمانی را دیدار نخواهی کرد، مگر آنکه در قلب او دوستی علی و اهل بیتش می باشد.

- یا روایتی که حسکانی و ثعلبی از ابوذر غفاری نقل می کنند که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) درباره خاتم بخشی حضرت علی علیه السلام در حال رکوع نماز نازل شده است (همان، ص ۴۱۱).

- یا روایاتی که طبرانی و حاکم نیشابوری و خوارزمی و حموی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام نقل کرده اند که: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ، وَالْحَقُّ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ» (همان، ص ۷۸)؛ علی با حق است و حق و قرآن نیز با علی است و این دوازدهم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

- یا روایات فراوانی که ابن عساکر، طبری، حسکانی، ثعلبی، طحاوی، نسائی، حاکم نیشابوری، کنجی شافعی، بیهقی، خطیب خوارزمی و ابن مغازلی نقل کرده اند که: «نزلت هذه الآية (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب: ۳۳) في رسول الله صلی الله علیه و آله و علی و فاطمة والحسن والحسين» (همان، ص ۱۱۵)؛ یعنی آیه تطهیر درباره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است.

جلد اول و دوم این کتاب پر بار و ارجمند، به ذکر ۸۳ آیه اختصاص یافته است که بر حسب روایات منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله، هر کدام به گونه ای بر اهل بیت اطهار علیهم السلام انطباق یافته است و عمده روایات تفسیری هم بیش از آنکه بیانگر تفسیر آیات به مفهوم امروزی آن

اسلامی جرئت و دلیری می بخشد که با حربه استدلال و برهان، وارد عرصه آثار مکتوب یکدیگر شوند و به نقد و بررسی و اصلاح آنها پردازند، که چنین کاری قوت های هر کدام را نمایان و ضعف ها را به تدریج از میان برمی دارد و عقاید را به هم نزدیک می کند و دل ها را به هم پیوند می دهد. ای بسا افرادی که از دورتیر به تاریکی می زنند و نادیده و ناخوانده یکدیگر را تفسیق و تکفیر می کنند؛ در حالی که اگر به هم نزدیک شوند و دلایل و آثار همدیگر را مورد بحث و مذاقه علمی قرار دهند، سوء تفاهم ها بر طرف می شود و کینه ها رخت برمی بندد و برادری و دوستی جایگزین کینه توزی و دشمنی می شود.

۵. این کتاب به گونه ای دیگر و با گفتمانی گسترده تر، راه «عبارات الانوار» میرحامد حسین هندی و «الغدیر» علامه امینی را تداوم بخشیده است و می توان گفت سبک و سیاق تدوین آن به گونه ای است که آن را پرارزش تر و پر جاذبه تر از آثار همگون پیش از خود قرار داده است.

۶. از همه مهم تر، این اثر به همگان می آموزد راه تبلیغ درست دین و آیین، همان است که قرآن کریم فرموده است: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵): مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث پرداز.

مراد از «حکمت» در اینجا «سنجیده پنداری»، «سنجیده گفتاری» و «سنجیده کرداری» است. اگر اندیشه و گفتار و کردار، سنجیده و بجا و استوار باشد، قطعاً اثرگذار و سازنده نیز خواهد بود. «سخن حکیمانه» سخنی است که در آن سستی و رکاکت، تحقیر و تنقیص و سب و لعن نباشد. مؤمن واقعی هرگز زبان و قلم خود را به تهمت و دروغ و دشنام و تکفیر نمی آلود و عواطف همونوع خود را - چه رسد به اینکه مسلمان و مؤمن نیز باشد - جریحه دار نمی سازد؛ تا جایی که قرآن می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸): معبودهای کسانی که جز خدا را می خوانند، دشنام ندهید که سبب شود آنان هم از روی ستم و زنی و نادانی، خدا را دشنام دهند.

جایی که دشنام به بت های مشرکان ناروا شمرده می شود، چگونه دشنام به مقدسات برادران دینی روا باشد؟! امیر مؤمنان به سپاهیان در صفتین فرمود: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶): من نمی پسندم که شما دشنام گو باشید.

علی عليه السلام حتی نمی پسندد یارانش، سپاه معاویه را - با همه تبهکاری شان - ناسزا گویند.

به هر حال، منطق قرآن و سنت، منطق حکمت و موعظه و مباحثه احسن است و تألیف آثاری چون عبارات الانوار و الغدیر و موسوعه الامامة در پاسخ به همین ندای پاک آسمانی قرآن کریم است. گذشت

در آویزی از گردن روزگار یکی پر بها عقد نیکو فرآ و آنگاه است که ارزش و اعتبار فرهنگی بزرگ معاصر، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی را بیشتر درک می کند که بانی بنای چنین شاهکار عظیمی شده است و بر خلف صالح ارجمندهش جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی که این طرح بزرگ فرهنگی را به درستی و استواری مدیریت نموده، تبریک و شاد باش می گوید. آری:

زنده است کسی که در دیارش باشد خلفی به یادگارش  
و بی گمان هر خواننده حقیقی که این همه فضل و فضیلت و کرامت و جامعیت والای امیر مؤمنان را در مجموعه های روایی برادران اهل سنت و جماعت می بیند، به وجد و شغف می آید که پس از آن همه تبلیغات سوء بنی امیه و عمال تبهکاران در طول سالیان بر ضد امیر مؤمنان، چگونه چهره حق و حقیقت، سرانجام، خود را نمایاند و باطل را به انزوا و نابودی کشاند:

يُرِيدُونَ الْجَاهِلُونَ لِيُظْفِقُوا  
وَيَأْتِيَهُمُ اللَّهُ الْإِلَاحُ يُتِمُّهُ  
زکائنات، غرض جلوه جمال تو بود  
وگر نه عالم و آدم نمی شدی موجود

## ■ دوازدهم

### اهمیت و امتیاز این کتاب

۱. به گمان نویسنده این سطور، بزرگ ترین نقش کلیدی این کتاب این است که همه مذاهب و فرق اسلامی را آشنا و مجذوب اهل بیت اطهار می گرداند؛ زیرا عاملی که در راه وحدت اسلامی نقش اساسی بر عهده دارد و حائز اهمیت فراوان است، اینکه همه مسلمان ها به ویژه عالمان امت اسلام، با دقت تمام، به مدارک و مآخذ اصیل همدیگر نظر محققانه بیفکنند و به درستی بنگرند که دین مبین اسلام، چه نقشه و تدبیری برای رفع اختلافات پیشنهاد نموده و آنان را به چه سمت و سویی دلالت فرموده است. اینجاست که نقش کلیدی قرآن و عترت در ایجاد وحدت میان مسلمانان به درستی نمایان و آشکار می شود.

۲. اهمیت دیگر این کتاب، تجلی مدعای شیعه در منابع فراوان اهل سنت است و این خود دست کم اصالت تاریخی اعتقادات شیعه و ارجح و اعتبار آن را می رساند و از طرفی این معنا حاکی از وجود اشتراکات فراوان میان این دو فرقه بزرگ اسلامی است.

۳. با توجه به این نکته که اکثر احادیث این مجموعه با بیان سند و نام راویان نقل شده است، این کار، زمینه تحقیق و بررسی تک تک احادیث را از جهت سند، وثاقت یا ضعف راوی برای محقق فراهم می نماید تا معلوم بدارد کدام روایت قابل قبول و کدام یک مردود است.

۴. کمترین فایده این گونه آثار این است که به هریک از پیروان مذاهب

را روشن می‌کند، و ثابت می‌کند که گرایش میلیون‌ها مسلمان به تشیع برخلاف تبلیغات زهرا آگین عده‌ای مولود جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً ثابت می‌کند که پاره‌ای از اتهامات به شیعه به کلی بی‌اساس و دروغ است. ثالثاً شخص شیخ‌الکلیب امیرالمؤمنین علیه السلام را که مظلوم‌ترین و مجهول‌القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود، و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند.<sup>۱۵</sup>

### جان کلام

پایان سخن و جان کلام در این مقام اینکه: تحلیل و برداشتی که علامه امینی و فیلسوف و ارسته شهید مطهری. رضوان الله تعالی علیهما. از فلسفه وجود کتاب الغدیر ارائه نموده‌اند، به درستی در مورد کتاب «موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة» نیز صادق است، و حقیقتاً این کتاب پر بار و کم نظیر، بلکه از جهاتی بی نظیر، اولاً مؤید منطق شیعه در مسئله امامت و مفهوم آن است؛ ثانیاً حقانیت دوازده امام را به همگان می‌آموزاند؛ ثالثاً زُجْحان و برتری آنان را در امر مرجعیت دینی و انسان کامل بودن و رهبری سیاسی بر دیگران، به اثبات می‌رساند.

آن زمانی که جاهلانی معدود از میان مذاهب اسلامی به سب و تکفیر یکدیگر می‌پرداختند. به چنین کسان باید گفت: تا کنون چه کسی از طریق سب و تکفیر راه به جایی برده است؟ بلکه منطق دشنام و ناسزاگویی، حاصلی جز کینه‌توزی و دشمنی و تفرقه نداشته است.

امروزه هر یک از این آثار به ویژه این اثر استوار و ارجمند که برگرفته از منابع معتبر برادران اهل سنت است، حجت را بر همگان تمام نموده است.

«علامه امینی در مقدمه جلد پنجم الغدیر، تحت عنوان «نظریة کَرِیْمَةٌ» به مناسبت یکی از تقدیرنامه‌هایی که از مصر، درباره الغدیر رسیده است، می‌گوید: عقاید و آرا درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» بدان تصریح کرده، پاره نمی‌کند. هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد، سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است. ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. علامه امینی اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود، سخت رد می‌کند و ثابت می‌کند که برعکس، الغدیر بسیاری از سوء تفاهمات را از بین می‌برد و موجب نزدیک تر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد. نقش مثبت الغدیر، در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه

۱۵. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار، ج ۲۵؛ «الغدیر و وحدت اسلامی»؛ ج ۱، تهران: صدرا، ۱۳۸۶.